

تبیین جایگاه و جغرافیای «زیارت» در دیانت مسیحی

مریم چراغی*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۰]

چکیده

در نظام ارزش‌های دینی، زیارت به عنوان یکی از مواضع وفاق در ادیان وحیانی و غیر آن می‌تواند محل مذاقه باشد، گرچه در رسوم و سلوک متفاوت یا مشابه باشند. زیارت، تاریخی طولانی دارد. قرن‌ها مسلمانان به مکه، یهودیان به اورشلیم و مسیحیان نیز به سرزمین مقدس، جایی سرشار از نشان عیسی، قدم گذاشته‌اند. در مسیحیت، آغاز زیارت مرتبط با مکان‌های مقدسی است که تولد، زندگی و مصلوب‌شدن عیسی در آن روی داده است. زیارت، در بُعد اشتراک مفهومی‌اش، زائر را از مبدأ به حرکت درآورده و در مقصد ضمن حصول نوعی خودآگاهی معنوی به سامان می‌رساند؛ از دیگر سو، فرصتی برای او است تا در جهانی که می‌زید، به اکتشافی دینی و البته همچنان درونی نائل شود؛ این سیر حضوری ذاتاً حامل نوعی سیر شهودی است. در این نوشتار، که به روش کتابخانه‌ای انجام شده است، می‌کوشیم از رهگذر بررسی مفهوم دینی و معنوی «زیارت» و بیان اهداف، اهمیت این تجربه مشترک دینی در مسیحیت را بکاویم.

کلیدواژه‌ها: زیارت، زائر، مسیحیت، قدیسان، اماکن مقدس.

* دانش‌آموخته دکتری عرفان اسلامی، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
cheraghimm@srbiau.ac.ir

مقدمه

یکی از ملاحظات اجتماعی، تلقی مردم از دین است. صرف نظر از ماهیت متنوع دین، تأمل همیشگی انسان درباره طبیعت، نیروهای فراطبیعی و تقدس‌انگاری عناصر و عوامل، قدمتی به درازای عمر بشر دارد. هر چه جامعه سنتی‌تر باشد، دین تقریباً با تمام حوزه‌ها اعم از هنر، ادبیات، اقتصاد و فرهنگ سازگارتر و در تعامل بیشتر است. در جوامع مدرن‌تر، اما، صبغه دین رو به ضعف است. زیرا ابزار مدرنیسم، که اعم از عقل و علم است و بر مادّیت انسان بیش از هر امری تأکید دارد، با مؤلفه‌های وحیانی دین، که ناظر به هر دو ساحت ناسوتی و لاهوتی انسان است، در تقابل است. از نظر متفکران پساروشنگری، رابطه نظام‌های دینی یکتاپرستانه با اسطوره‌ها و مناسک باستانی تبلور نوعی نیاز عاطفی بود که تجلی می‌یافت. اسطوره‌سازی که در میان پیروان ادیان شایع است، با الاهی‌کردن موجودات و وقایع زمینی همراه است و با تقدس‌بخشی به اشخاص و عقاید دینی و متعالی‌شمردن مرتبت روحانی ظهور می‌یابد. «زیارت» نیز نمودی است با قدمتی دیرینه دربرگیرنده بینشی اساطیری و مقدس به اشیا، اشخاص و حتی مکان و زمان‌هایی که مواجهه با آن، سزاوار کرنشی قلبی و ستایشی در خور می‌گردد و زائر در هنگام حضور و رویارویی با پدیده‌ای که تاریخ (اعم از دین یا فرهنگ و غیر آن) بر آن مهر عظمت و تکریم نهاده به این باور می‌رسد که باید از قدسیت و روحانیت آن جلوه تصدیق‌شده، بهره‌ای ولو اندک گیرد. در مسیحیت نیز مانند سایر ادیان، اسطوره‌سازی و تقدس‌بخشی مرسوم و مقبول است و پای‌بندی به آداب و رسوم مختص به آن نیز از لوازم تکمیل آن به شمار می‌رود.

در مسیحیت سفر به مکان مقدس همان زیارت است، حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر و از زمانی به زمان دیگر، اما در راستای رشد و کمال معنوی. زیارت از آن جهت با سیاحت متفاوت است که فی‌نفسه، حامل معنویتی است مملو از حس حضور خدا؛ در مسیحیت این باوری مؤکد است که خداوند دعوت‌نامه‌ای برای زائر می‌فرستد و او

با عزم رفتن، به این دعوت لبیک می‌گوید؛ سفری با نیت احساس هر چه بیشتر خدا و تجدید حیات معنوی. در آیین مسیحیت، شخص زائر فرصتی برای عبادت و مشاهده «تابلوی راهنما»ی خدا می‌یابد که به سبب بازگشتش به سوی او، آن را پیش چشمانش قرار می‌دهد و البته، زیارتی موفق است که دربردارنده تعهدی باشد از پشت سر گذاشتن هر چه هست و تمرکز بر فراگیری حقایق معنوی؛ در واقع، رمز موفقیت در زیارت به میزان عشق، اعتقاد و انعطاف قلب زائر در نسبت با خدا و دیگران بستگی دارد. درک حضور خدا البته فقط متعلق به مکان‌های مقدس نیست و انسان حتی در خانه خود اگر بخواهد می‌تواند فضایی آکنده از خدا را، چه در سکوت و چه با زمزمه دعا، ایجاد کند، چه به تنهایی، چه در کنار خانواده، چه هنگام غذا و چه هنگام خواب؛ می‌توان ذهن و روح و بدن را متوجه خدا کرد و برای خود و دیگران دست به دعا برداشت.

عیسی مسیح فراتر از شخصیت مقدسی است که در مسیحیت، شأن و منزلتش ماورایی است و اسطوره‌ای الهی به شمار می‌رود؛ هرچند در عصر جدید تلاش بسیاری شد تا از دین مسیحیت اسطوره‌زدایی شود تا بلکه از پیام حقیقی عیسی غفلت نشود، با این حال عیسی طبق تعالیم مسیحی همچنان، شخصیت دوم تثلیث اقدس و بعد حلولی یا درون‌باشنده خدا است، دارای الوهیت است و با خدای پدر (شخصیت اول تثلیث اقدس) و روح‌القدس (شخصیت سوم تثلیث اقدس) همذات است. همین اعتقاد کافی است که دینداران مسیحی در پی هر نشانه‌ای از عیسی حتی به دورترین نقاط از موطنشان عزم سفر کنند، آن‌گونه که در قرون وسطا، اروپاییان با وجود اینکه بیت‌المقدس مایل‌ها از وطنشان دورتر بود به آنجا می‌رفتند و حتی به رسم برکت‌طلبی، صد یا دویست کیلومتر مانده به مقصد را پیاده طی می‌کردند. از دیدگاه مسیحیان، کلیسا یا جامعه مسیحیت در جهان، نشانه چیزی است که خدا به وسیله عیسی انسان محقق کرده و پیوسته آن را در راه انسان‌ها محقق خواهد کرد.

مفهوم‌شناسی «زیارت»

معادل انگلیسی «زیارت» در فرهنگ دینی مسیحیت Pilgrimage است که غالباً مرادف با همان مفهوم «سفر» و «غربت» است. هر دو واژه Pilgrim و Pilgrimage مأخوذ از واژه لاتینی peregrinus است که خود ترکیب دو واژه (ager/field + per/through) است، به معنای فرد، اعم از غریبه یا خارجی که مسیری را به قصد اقامت کوتاه یا بلند در مکانی دیگر طی کند. Peregrinati نیز به معنای وضعیت و چگونگی اقامت و استقرار در بیرون از وطن است. Peregrinus در نسخه لاتینی کتاب مقدس و برای ترجمه واژه عبری Gur یا انسان سیار یا ساکن موقت (Sojourner) و نیز Parepidemos یونانی به معنای اقامت موقت، استفاده شده است (Dyas, 1998: VII).

در قرون اولیه، کلیسا مفهوم جالب توجهی از این اصطلاح بیان کرد و این واژگان را تصویری از هسته اعتقادی زندگی مسیحی برشمرد، چه آنکه مسیحیان خود را ساکنان موقت زمین (Temporary Residents) محسوب می‌کردند و استقرار ابدی یا سرمنزل (Citizenship) سعادت خود را در ملکوت آسمان‌ها می‌دانستند. تعبیری همچون «ساکن بهشت» (Citizens of Heaven)، «رهگذر»، «مسافر» یا «زائر» نیز همچون «ساکن موقت» در مکتوبات بسیاری از آباء کلیسا و حتی کتاب مقدس آمده است (نک: فیلیپیان، ۳: ۲۰؛ عبرانیان، ۱۳: ۱۴؛ لوقا، ۲۲: ۲۹؛ یوحنا، ۱۴: ۲؛ اول پطرس، ۱: ۴؛ مکاشفه، ۲۱: ۲؛ مکاشفه، ۲۲: ۳-۵؛ افسسیان، ۲: ۱۹) و افرادی همچون اوریژن (Origen)، کلمنت اسکندرانی (Clement of Alexandria)، سیپریان (Cyprian)، جان کریسوستوم (St John Chrysostom)، کاساریوس اهل آرلس (St. Caesarius Arles)، سنت آگوستین (St Augustine)، گریگوری کبیر (Gregory the Great) به تبیین این مفاهیم اهتمام داشته‌اند. بنابراین، در این معنا مسیحیان مسافری هستند که باید خود را طبق استانداردهای آن زندگی آسمانی تطبیق دهند تا روزی که به آن مکان سفر کنند و به همین دلیل Pilgrimage معادل با «سفر زیارتی» و Pilgrim معادل با مسافر، رهگذر و

زائری است که سفرش صبغه دینی دارد. این امتیازِ تابعیت بهشت را گرفتن و ساکن آن شدن، مخصوصاً در میان مسیحیان اولیه، چنان با اقبال مواجه شده بود که برخی به بیابان می‌رفتند و با حفر سلول‌های بسیار کوچکی در دل صخره‌ها، زندگی، عبادت و مراقبه می‌کردند و با عنوان زاهد (Hermit) شناخته می‌شدند و چنان به خود محرومیت می‌دادند، بلکه لایق سکونت در بهشت شوند (See: Athanasius, 2013). افراد مختلفی هم تحت عنوان بازدیدکننده یا شاگرد به این پدران و مادران صحرا (Desert Fathers and Mothers) می‌پیوستند تا از قدسیت‌شان بهره‌مند شوند یا در محضرشان تلمذ کنند. در حقیقت، با بسط این سبک از زندگی افرادی که بعدها به جوامع کوچکی تبدیل شد، رفته‌رفته، مفاهیم «جلای وطن»، «استقامت» و نیز «سیر انفس» از درون نهضت رهبانیت مسیحی برآمد (See Dyas, 2001: 24-25; Edwards, 2005: 5-8).

در قرن چهارم، اما به تدریج «زیارت» به مکان‌هایی مقدس اطلاق شد و واژه Parepidemos در تفکر مسیحی، معنای کامل‌تری به خود گرفت: سفر با هدف دینی خاص؛ Peregrinatio سفری است که رخ می‌دهد یا به تعبیر دیگر همان «رخداد سفر» را گویند. دو اشاره استعاره‌ای «غریبه» و «تبعید» نیز برای «زیارت» به کار می‌رفت؛ «تبعید» که استعاره‌ای است از مفهوم «زیارت» و در ادامه همان داستان آدم و حوا و هبوطشان به زمین، که آدمی نیز باید مانند یک نفی بلد شده، برای بازگشت دوباره‌اش به بهشت، عبادت و توبه کند تا آمرزیده شود. برخی به جبران کفاره گناهان خود، سفرهای طولانی بر خود مقرر می‌کردند یا اقرارگیرنده سفری زیارتی برایشان تجویز می‌کرد. غریبه‌بودن در این دنیا یادآور همان پدران و مادران صحرا است، یا گاهی یادآور بنی اسرائیل که از طریق بیابان راه سرزمین موعود را در پیش گرفتند و بیش از همه راهبان سلتی نیز، به تأسی از ابراهیم، بسان مسافران قایقی کوچک بودند در دست امواج، به هر کجا که آب آنان را برد. بنابراین، در تعریفی کلی می‌توان گفت زیارت یا همان Pilgrimage به سفرهایی اطلاق

می‌شود که مسافر در جست‌وجوی معنا و تلاش برای یافتن پاسخ به برخی از دغدغه‌ها و همچنین طالب شناخت هویت خود باشد (See: Dyas, 1998: 8, 164, 165).

پاپ بندیکت شانزدهم (Pope Benedict XVI) هنگام بازدید از کلیسای جامع سانتیاگو ده کومپوستلا (Santiago de Compostela) در ۶ نوامبر ۲۰۱۰ اهداف زیارت در مسیحیت را که مشتمل بر تعریف «زیارت» نیز می‌شود، چنین برمی‌شمرد:

هدف از زیارت صرفاً دیدن و تحسین کردن مکانی با گنجینه‌های هنری و تاریخی آن نیست؛ در واقع، «زیارت» به معنای بیرون‌رفتن از خود برای مواجهه با خدا در مکانی است که از خود حجاب افکنده و فیضش را با شکوهی خاص افروخته و ثمراتی سرشار از تبدیل و تقدس میان مؤمنان به ارمغان آورده است. مهم‌تر از همه اینها، مسیحیان به زیارت سرزمین مقدس می‌روند، به اماکنی مرتبط با عشق، مرگ و معاد عیسی. به روم می‌روند، شهر شهادت پطرس و پولس، و همچنین به کومپوستلا که همراه با یاد و خاطره سنت جیمز (یعقوب بزرگ پسر زبدی) است، جایی که از همه زائران از سراسر دنیا استقبال می‌کند (<https://b2n.ir/w60893>).

این سفر فیزیکی در ظرف زمان و مکان می‌تواند آهنگی استعاره‌ای داشته باشد، مثلاً به‌جای آوردن مناسک گذرگاه (a rite of passage) باشد، یعنی تحول حال درون و نمود آن به صورتی بیرونی؛ یا می‌تواند برای هدفی متعالی باشد؛ یا حتی برای شفاگرفتن از رنج روحی یا جسمانی (Coleman & Elsner, 1995: 6). در ذیل به چند تعریف دیگر از Pilgrimage اشاره می‌شود:

- زیارت دعوتی شخصی از سوی خدا است، دعوت‌نامه‌ای مشتمل بر پیشنهاد خدا و پذیرشی که به زائر بستگی دارد (Bradley, 2010: 17).

- زیارت نمادی از انسان رهروی است که به محض ترک رحم مادر در سفری از زمان و مکان وجودی خویش قرار می‌گیرد؛ تجربه بنی‌اسرائیل به سوی سرزمین موعود با هدف نجات و رهایی، تجربه مسیح که از سرزمین بیت‌المقدس به سوی

آسمان عروج کرد و این گونه راه را به سوی خدا (پدر) گشود؛ تجربه کلیسایی که از تاریخ تا بیت المقدسی آسمانی به پیش می رود؛ تجربه کل بشر که به سوی امید و کمال می رود (Pazos, 2014: 142).

- زیارت، نوعی سفر مناسکی غیرروزمه به حرم یا مکانی مقدس است، به منظور دریافت امدادهای فراطبیعی، ادای نذورات، توبه، احراز لیاقت، ادای خدمت، ابراز سرسپردگی، همه یا بخشی از اینها. به بیانی ساده آنکه: زیارت عبارت از سفری است با مقاصد دینی (Winzeler, 2007: 153).

«زیارت» در کتاب مقدس

اولین سابقه زیارت در کتاب مقدس به قرن چهارم قبل از میلاد مسیح باز می گردد، هنگامی که اشراف و سایر یهودیان متدین، به منظور گرامی داشت عید پاک و جشن های شاووعوت و سایبان ها، سالانه سه بار برای زیارت سرزمین مقدس اورشلیم سفر می کردند. در نمونه هایی از کتاب مقدس در باب رفتن به محضر خدا چنین آمده است:^۱

و سالی سه بار تمام مردان و پسران قوم اسرائیل باید برای عبادت به حضور خداوند، خدای اسرائیل بیایند (خروج، ۳۴: ۲۳).

هر سال این سه عید را به احترام من نگاه دارید (خروج، ۲۳: ۱۴).

مردان اسرائیلی باید سه بار در سال در حضور خداوند حاضر شوند: عید پسخ، عید هفته ها، و عید سایبان ها، و نباید با دست خالی به حضور خداوند رسند (تثنیه، ۱۶: ۱۶).

از میان شخصیت های کتاب مقدس آنان که به دلایل دینی (که اغلب از این دلایل به عنوان «زیارت» یاد می شود) جلای وطن کردند می توان به هابیل، خنوخ، نوح، ابراهیم و ساره، اسحاق و یعقوب اشاره کرد و طبق نص صریح کتاب مقدس آنها خود را به عنوان زائران روی زمین تصدیق کرده اند؛ آنجا که ابراهیم (پیدایش ۲۳: ۴) خود را در این سرزمین، غریب و مهمان برشمرد؛ یا یعقوب که در گفت و گوی با فرعون می گوید:

«صد و سی سال دارم و سال‌های عمرم را در زیارت (سفر) گذرانده‌ام، عمرم کوتاه و پر از رنج بوده است و به سال‌های عمر اجدادم که در زیارت (سفر) می‌زیستند، نمی‌رسد» (پیدایش، ۴۷: ۹). در کتاب مزامیر ۳۹: ۱۲ نیز انسان رنجور چنین خدا را می‌خواند: «خداوندا مرا بشنو و به فریادم برس، اشک‌هایم را نادیده مگیر. در این دنیا مسافری بیش نیستم، غریبم (زائرم) همچون اجداد خود».

بنابراین، مسیحیان معتقدند خاستگاه اصلی تقدس زیارت، روایات کتاب مقدس است و ریشه‌های اهمیت زیارت را در آن می‌جویند:^۲

والدین عیسی هر سال برای شرکت در مراسم عید پسح به اورشلیم می‌رفتند. وقتی عیسی ۱۲ ساله شد، طبق رسم یهود او را نیز همراه خود می‌بردند (لوقا، ۴۱-۴۲). پس از مدتی، عیسی به اورشلیم بازگشت تا در مراسم یکی از اعیاد یهود شرکت کند (یوحنا، ۵: ۱).

ناگاه در وسط مراسم، عیسی وارد خانه خدا شد و برای مردم موعظه کرد (یوحنا، ۷: ۱۴).

آن روزها، یهودیان دیندار برای مراسم عید از تمام سرزمین‌ها به اورشلیم آمده بودند. پس وقتی صدا از آن خانه به گوش رسید گروهی با سرعت آمدند تا ببینند چه شده است. وقتی شنیدند شاگردان عیسی به زبان ایشان سخن می‌گویند مات و مبهوت ماندند ... (اعمال، ۲: ۵-۱۱).

به رغم آشکار بودن مفهوم «زیارت» در روایت دیگری که روح خدا، عیسی را به بیابانی می‌برد و آنجا شیطان و سوسه‌اش می‌کند و او چهل روز در آنجا روزه می‌گیرد (متی، ۴)، با این حال برخی متکلمان مسیحی معتقدند آغاز زیارت حقیقی از بعد از مرگ عیسی تحقق و معنا یافت، آنجا که مردی اهل اتیوپی^۳ برای زیارت به اورشلیم سفر کرده و هنگام بازگشت با فیلیپ مواجه می‌شود، غسل تعمید می‌گیرد، سپس روح خدا فیلیپ را برگرفته و می‌برد و آن خزانه‌دار حبشی که مؤمن به مسیح شده است، راه خود را می‌گیرد و می‌رود (اعمال رسولان، ۲۶: ۸-۴۰).

سیر تاریخی زیارت در مسیحیت

بسیاری از محققان معتقدند اصل زیارت در بدو امر به مکان‌های تولد، زندگی، مصلوب‌شدن و رستاخیز عیسی مرتبط می‌شد؛ اما با شواهدی که اوریژن اسکندرانی (Origen of Alexandria) (از آبای اولیه کلیسا و حدود ۱۸۵-۲۵۴ م.) از قرن سوم آشکار کرد، یا توصیفات ماندگاری که از زیارت اورشلیم در دست است و نیز ترغیب‌های سنت ژروم (Saint Jerome) (۳۴۷-۴۲۰ م.) به زیارت و حتی مساعی هلنا (۲۴۶-۳۳۰ م.) مادر کنستانتین اعظم (Saint Helena, Mother of Emperor Constantine the Great) که مسیحیان بسیاری به کشفیات وی و کلیساهایی که می‌ساخت اعتقاد داشتند (Belhassen & et al., 2008: 675)، همه و همه سابقه زیارت را در کل به قرن چهارم و به مکان‌های مقدس دیگری نیز باز می‌گرداند. هرچند برخی همچنان تأکید دارند که زیارت در قرن دوم بعد از میلاد و با سنن زیارتی پاگان‌ها آغاز شد (Elsner & Rutherford, 2006: 28).

خلاصه‌ای از شکل اولیه زیارت در مسیحیت عبارت بود از: زیارت مبتنی بر متون مقدس؛ یعنی تمام مکان‌هایی که در متون مقدس مسیحی بدان‌ها اشاره شده بود محترم شمرده می‌شد و قدیمی‌ترین سابقه زیارتی که از فلسطین، اورشلیم و مکان زندگی عیسی ثبت شده است شاید به ترتیب مربوط به میلیتوی ساردی (Melito of Sardis)، پس از آن هلنا مادر کنستانتین اعظم و رخداد کشف صلیب، زائر بوردو در سال ۳۳۳ و پائولا باشد؛ زیارت قدیسان زنده که احترام افراد روحانی و مقدس بود؛ آثار مقدس و ارج گذاشتن به پیکر قدیسان یا آثار به‌جامانده از ایشان؛ تمثال و شمایل (See: Ibid.: 28-29).

کلیسا در سه قرن متوالی پس از میلاد مسیح، آنچه در درجه اول اهمیت قرار می‌داد آموزه‌های کتاب مقدس و البته عهد جدید بود، که خدا در همه جای هستی و نه فقط در مکانی خاص، به واسطه روح‌القدس حاضر است (See: Dyas, 1998: 280 and XI). این تغییر سنت‌های یهودیت موجب رنج و الم بسیاری برای شهر اورشلیم شد؛

اشغالگران رومی، معبد اورشلیم را در سال ۷۰ م. ویران کردند و به سال ۱۳۵ م. در پی شورش یهودیان، کل شهر به نابودی کشیده شد. اورشلیم به Aelia Capitolina تغییر نام داد و برای الاهی ونوس معبدی بر کوه معبد (Temple Mount) ساخته شد. این گونه بود که اورشلیم، شهر خدایان، تقریباً امحا شد (Ibid.: 65). سوابق و بقایای به جامانده از مسیحیان بازدیدکننده از فلسطین در قرون دوم و سوم حاکی از آن است که آنها خود را ملزم به بازدید از سرزمین کتاب مقدس و نیز آن عده از سکنه باقی مانده مسیحی و نه فقط اماکن مقدس می کردند و این یعنی اورشلیم، بیش از آنکه مکانی مذهبی به شمار رود، به عنوان مکانی تاریخی اهمیت یافته بود (Ibid.: 73).

در اوایل قرن چهارم تغییر نگرشی اساسی در مسیحیت رخ داد. عامل شتاب دهنده مهم در سال ۳۱۳، تغییر امپراتوری کنستانتین به مسیحیت بود. کنستانتین، مفاهیمی از امکان و ابنیه مقدس را با اقتباس از دین پاگانی (Pagan) روم و یونان به عقاید دینی خود افزود؛ اگرچه شخص امپراتور خود، هرگز اورشلیم را ندیده بود، اما طرح ساخت بنای عظیمی را در فلسطین پیشنهاد داد و مادرش هلنا نیز عهده دار نظارت بر بازسازی چند بنای مهم مقدس مسیحی شد (Ibid.: 76). چندین کلیسای بزرگ بر این مکان نواحیا، از مقبره مسیح واقع در کوه زیتون و بیت لحم ساخته شد و سرزمین مقدس دیگری بنا شد که حامل جغرافیایی معنوی از تجارب دینی بود. سیریل (Cyril (c. 320- (386?)، اسقف اورشلیم، در این باره چنین گفت: «دیگران فقط شنیدند، اما ما هم دیدیم، هم مسح کردیم» (Green, 2018: 93; Dyas, 1998: 19).

تحلیل آثار بازماندگان مسیحی قرن چهارم حاکی از نحوه تغییر نگرش مسیحی است؛ زائری از بورودو (*Bordeaux Itinerary/Itinerarium Burdigalense*)، که سفرنامه زائری ناشناس بود، در سال ۳۳۳ م. به عنوان کاشف سرزمین کتاب مقدس، مجموعه مختصر و جامعی از یادداشت‌هایی درباره مکان‌های مقدسی را به دست می دهد که با وقایع کتاب مقدس مرتبط‌اند. نوشته‌های ایجریا (Egeria)، شخص دیگری که قریب به

پنجاه سال بعد از این زائر بوردوی به فلسطین سفر کرده است، رویکرد دینی تری دارد. وی به همان اندازه که مشتاق دانستن درباره مکان‌های مقدس است، اوقاتی را نیز برای عبادت و نیز گوش سپردن به قرائت صحیح انجیل و ادعیه می‌گذارد. روایات ایجریا بیانگر عناصر جدیدی است که ظهور کرده‌اند: تکریم آثار، اشیا و بقایای باستانی؛ تأکید بر عبادت در مکان‌های مقدس؛ رشد تجربه عابدانه با درنگ بر متون مقدسی که مثلاً رویداد مصلوب‌شدن مسیح در آنجا واقع شده است (See: Dyas, 1998: 78-80).

بیست سال پس از بازدید قدیسه پائولا از مکان‌های مقدس در سال ۳۸۶ م.، سنت ژروم که از صاحب‌نظران کتاب مقدس و مترجمان آن به زبان لاتینی بود، با قلمی عاطفی شرح دیدار پائولا و ارادت مشتاقانه وی را تقریر می‌کند: «او به زمین افتاد و در برابر صلیب، به ستایش شد، چنان‌که گویی خداوندگار را بر صلیب، مصلوب می‌بیند، اشک‌ها و مرثی‌ها او میان اورشلیمیان شهره است» (<https://www.newadvent.org/fathers/3001108.htm>).

سنت ژروم نه تنها دیدار پائولا، بلکه حتی تصویرسازی و تجسم‌بخشی‌های او از وقایع کتاب مقدس را که گویی بازسازی شده‌اند شرح می‌دهد (Dyas, 1998: 82). ورود چنین تخیل خلاقانه‌ای به روایات کتاب مقدس می‌تواند وجه مهمی از معنویت دوران قرون وسطا تلقی شود و این پاسخ درخوری است به کسانی که صرفاً بعد زیارتی امکانه انجیلی را مد نظر دارند یا آنان که به اظهار ارادت و زیارت تخیلانه از راه دور (pilgrimages of the imagination' from afar) پای‌بندند.

در قرن ششم تا یازدهم میلادی، زیارت اما در مسیحیتی همچون مسیحیت آنگلوساکسن تا حد چشمگیری انعطاف‌پذیرتر بود. کلیسای آنگلوساکسن مرهون تبلیغات مبلغان سلتی و رومی بود. این هر دو، میراث قدیسان را محترم می‌شمردند و نیز برای مکان‌های مقدس ارزش بسیار قائل بودند. زیرا معتقد بودند این آثار یا امکانه به شخص یا رویدادی خاص و مقدس مربوط‌اند. از این رو هر دوی این کلیساهای، به این مکان‌ها به چشم فرصتی برای توبه می‌نگریستند. راهبان سلتی نیز، به تأسی از ابراهیم، بسان مسافران

قایقی کوچک بودند در دست امواج، به هر کجا که آب آنان را برد و از همین رو بیابان و صحرا برایشان مکانی برای عبادت و مبارزه با شیطان بود، چه بر آب باشند چه در خشکی (www.york.ac.uk/projects/pilgrimage/content/as_life.html).

در سده یازدهم الی پانزدهم میلادی، که تجربه قرون وسطایی زیارت در همه اشکالش، به شدت تحت تأثیر تاریخ اولیه کلیسا بود نیز همچنان مفهوم کلامی «زیارت» برگرفته از متن کتاب مقدس و ضرورت سفر آسمانی انسان به سرزمین مقدس اورشلیم بود و می توان سه تفسیر عملی یا به عبارتی نمایی چندوجهی از این مفهوم در زندگی هر فرد ترسیم کرد که در واقع میراث معنوی کلیسای قرون وسطایی است: زیارت اخلاقی، که همان اطاعت مدام در زندگی روزمره و مطابق با زندگی کنشگر (Active Life) است؛ زیارت درون (سیر انفس)، که ناظر به زندگی متأملانه (Contemplative Life) است و با مراقبه، رهبانیت و عرفان حاصل می شود و در اصطلاح، مذاقه بر «اورشلیم درون» برای درک حضور خدا در روح است؛ زیارت مقام (Place Pilgrimage) که عبارت است از سفر به مقابر و حرم های قدیسان با هدف فراگیری، اظهار سرسپردگی و طلب مغفرت برای خود یا دیگران. آثار این زیارات، همگی رشد معنوی زائر است (Dyas, 1998: XIII).

در قرن شانزدهم اصلاحات (در نیوانگلند) دو وجه پیدا کرد:

۱. جنبش معنوی که منجر به شکوفایی هسته قدرتمندی از میان مسیحیان شد.
۲. افتراق رسمی دولت از کلیسا که در سال ۱۵۵۹ منجر به پیدایش کلیسای ملی پروتستان تحت صیانت ملکه الیزابت یکم شد.

این گونه، مسیحیان حقیقی با مسیحیان نامی آمیخته شدند و حافظان کلمه خدا (کشیشان) با آنان که از نور معنویت و حمیت مسیحی بی بهره بودند، به ناچار همکار شدند. در دوران سلطنت الیزابت، مسیحیانی که زیر بار پذیرش محتوای این گونه وفاق ها و همپالگی ها نرفتند یا باید ناگزیر کلیسای ملی را ترک می کردند و در گوشه ای

دیگر با جمع کردن عده‌ای از مسیحیانِ همفکر جماعتی تشکیل می‌دادند، یا آنکه در کلیسا می‌ماندند و حداقل در معرفی مبانی معنوی مسیحی می‌کوشیدند. جدایی‌طلبان (Separatists)، که به دنبال ایجاد کلیساهای بومی بودند، و جماعت دوم (Puritans) نام گرفتند که این دسته دوم در اوایل قرن هفدهم رو به اضمحلال رفتند و همواره جدایی‌طلبان به رغم نزاعی که میان ایشان و پیوریتن‌ها بود، خود را در آزمون بزرگ عمل خیر در برابر آنها می‌دیدند. در سال ۱۶۰۸، عده‌ای از جدایی‌طلبان با ترک انگلستان، به هلند رفتند و برخی از آنها نیز تحت عنوان «زائر»، به ماساچوست رفتند و ساکن شدند. اینان به تقدس کلیسا بسیار معتقد و پای‌بند بودند و می‌گفتند بنیاد کلیسا بر روح خدا استوار است نه انسان و دولت. در واقع، این اصلاحات همان‌گونه که بر بسیاری از امور تأثیرگذار بود بر زیارت هم تأثیر بسزایی گذاشت. مسیحیان کاتولیک و ارتدوکس همچنان حرمت مکان‌های سنتی و مقدس را پاس می‌نهادند، اما کشورهای جدیدی که متأثر از اصلاحات بودند بیشتر با فرقه قدیسان، پاس‌داشت تصاویر، کسب فیض و بازخرید گناه همراه شدند. در سال ۱۵۲۰ مارتین لوتر، رهبر برجسته اصلاحات، به تعبیری «زیارت» را محکوم کرد و گفت تمام زیارات باید متوقف شود. چون هیچ خیری ندارد، هیچ توصیه‌ای بدان نشده و هیچ اطاعتی بر آن نیست؛ یعنی چون بدان فرمان داده نشده، پس ضرورت اجرا هم ندارد (Bradly, 2010: 59) بلکه انجام‌دادن چنین زیاراتی چیزی جز ارتکاب گناه و تخفیف احکام خدا نیست. در واقع، این انتقادات لوتر، بازانعکاسی از سخنان لولارد بود که پیش‌تر بیان کرده بود؛ کسی که رابطه نزدیک میان زیارت و کسب فیض از طریق اعمال نیک را به‌شدت به پرسش کشیده بود. این هر دو معتقد بودند زیارت مکان‌های مقدس موجب بی‌ارزش شدن سایر مکان‌ها همچون کلیساهای محلی و بومی می‌شود، جایی که می‌تواند تجربه مواجهه با خدا (خدایی که در همه جا، همان خدا است) صورت پذیرد؛ و حتی معتقد بودند زائران با رفتن به زیارت، به نوعی از پذیرش مسئولیت دیگر امور زندگی طفره می‌روند.

اصلاحات در انگلستان موجب شد بسیاری از اماکن زیارتی و آثار و حتی اقامتگاه ویژه زائران نابود و بی اعتبار شود. با همه این تغییرات اما، مفهوم «زیارت» به قوت خود باقی ماند و اگرچه پروتستان‌ها اصرار بر امحای این عمل داشتند اما زیارت همچنان ادامه یافت، حتی اگر صرف تماشای آثار باستانی و معماری ابنیه باشد. بنابراین، در سده شانزدهم و مقارن با دوران اصلاحات پروتستانی هر چقدر که زیارت در دوران قرون وسطا مهم بود، در این دوره اصلاحات رو به افول گذاشت (Aston, 1964, Available (at: <https://www.york.ac.uk/projects/pilgrimage/content/reform.html>).

در سده هفدهم، پیوریتن‌ها یا پیرایشگران، همان گروه دیگر از دینداران انگلیسی که آنان نیز پس از شکل‌گیری شاخه‌های نهضت اصلاح و در پی اصلاحات دینی الیزابت یکم ظهور کرده بودند و تفکرشان، هم بعد سیاسی و هم دینی داشت، در بعد سیاسی توفیق چندانی حاصل نکردند، اما در بعد دینی به سبب اعتقاد به انحراف کلیسای انگلستان از کلیسای کاتولیک رم، به ستیز با باورهای کلیسای انگلیس پرداختند؛ آنها تحت تأثیر کالونیست‌ها معتقد بودند کلیسای انگلستان باید از عقاید خرافی و آداب و اعمال رومی تصفیه شود. در حقیقت، از گریگوری اهل نیسا تا اصلاح‌گرایان پروتستان راجع به خطر سفر زیارتی و افراط‌های معنوی هشدار می‌دادند.

بنابراین، می‌توان گفت عصر طلایی زیارت بین اوایل قرن یازدهم تا اوایل قرن شانزدهم میلادی بوده است؛ یعنی زیارت در قرون وسطا شکوفا شد، در قرون شانزدهم و هفدهم رو به افول گذاشت و البته در قرن هجدهم احیا شد. کلیساهای بزرگ اروپایی، مکان‌های شهادت و نیز مکان‌هایی که قدیسان بسیاری در آن خدمت کرده بودند به فهرست مقصدهای زیارتی اضافه شد. حتی همان پیوریتن‌ها که خود به مفاسد و خطرهای زیارت معترض بودند، با این حال از محتوای مطالبی همچون سفر ابراهیم، خروج اسرائیل و سفرهای مقدس مگی (travels of the Magi) استقبال کردند، و به مواعظ و تفاسیر عهد جدید درباره زیارت توجه نشان دادند.

در قرن نوزدهم و مقارن با تجدید حیات در خاورمیانه و کشفیات باستانی در مصر و سایر مناطق و نیز رونق توریسم (مخصوصاً اقدامات توماس کوک، پدر توریسم جدید) بار دیگر سفر به سایر مناطقی که سرشار از تاریخ دین مسیحیت بود رونق گرفت. در قرن بیستم مکان‌های قرون وسطایی همچون والنسینگهام، آئونا، کانتربری و سایر امکنه مذهبی مبادرت به جذب زائر کردند. سفر به روم، لوردس و فاتیما از سر گرفته شد و البته که بعد از جنگ جهانی دوم از حجم مناقشات و اختلافات شدید میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها نیز کاسته شد. در قرن بیست و یکم، و به لطف توسعه صنعت حمل و نقل و صنعت توریسم، بازدید از مکان‌های مقدس نه تنها دینداران بلکه هر علاقه‌مند به اکتشاف، هنر، تاریخ و فرهنگ را برمی‌انگیزاند. سانتیاگو د کمپوستلا از جمله این مکان‌ها است و کانون سفرهایی است که مسافران و زائران فرسنگ‌ها، هفته‌ها بلکه ماه‌ها با پای پیاده مسیر آن را طی می‌کنند. سفر به آئونا (Iona)، تهزه (Taizé)، مایکل اسکلینگ (Skellig Michael)، مون سن میشل (Mont St. Michelle)، کوه آتوس (Mount Athos)، آسیزی (Assisi)، اورشلیم، رم، و ... همچون کانون اتحاد هر مسیحی با هر فرقه و مذهبی است که در راستای نهضت وحدت کلیسا (Ecumenism) و آشتی مذاهب مسیحیت است (See: George, 2016).

حدود تخصیصی زیارت

مسیحیان طبق عقیده تجسم (حلول) معتقدند خدا برای ورود به جهان خود، در مکان و زمان خاصی در شخص عیسی ورود کرد و این اتفاق هم از لحاظ تاریخی و هم جغرافیایی همواره در نظر مسیحیان مهم بوده است، به گونه‌ای که از همان تاریخ کلیسای اولیه، مردم علاقه بسیاری به دیدن مکان‌های ذکرشده در کتاب مقدس و مکان‌های مرتبط با تولد، مرگ و بازگشت عیسی از خود نشان داده‌اند (Bradly, 2010: 30). از قرن چهارم به بعد، آرزوی دیدار و مسح عیسی و نیز تصور ورود به ساحت‌های زندگی او آشکارا میلی فراینده شد، اما قطعاً شبهه‌های کلامی بسیاری بود که باید پاسخ داده می‌شد: چگونه

است که این خدای قادر مطلق در یک مکان بیش از سایر مکان‌ها در دسترس است؟ آیا سفر به امکنه مقدس برای سفر به مراتب طولانی‌تر زندگی عبادی فرد مسیحی که تا پیش از آن داشته، پیش‌رونده است یا بازدارنده؟ سنت گریگوری از قدیسان شهر نیسا می‌گوید عیسی هرگز پیروانش را به زیارت توصیه نکرده است. وی اکیداً می‌گوید تغییر مکان هرگز به معنای نزدیک‌تر شدن به خدا نیست (Saint Gregory On Pilgrimages, Epistle 2, Available at: <https://www.newadvent.org/fathers/2913.htm>). ژروم نیز می‌گوید حتی ندیدن اورشلیم هم هیچ چیزی از اعتقاد شما نمی‌کاهد (Saint Jerome, Letter 58 To Paulinus, Available From <https://www.newadvent.org/fathers/3001058.htm>). دو دغدغه مهم دیگر هم، در بُعد اخلاق و عمل، وجود داشت؛ ممکن بود زیارت برای زائر هزینه‌های گزافی، هم از لحاظ فیزیکی و هم اخلاقی، در بر داشته باشد، با این حال و به رغم همه مشکلات و تناقضات کلامی در باب زیارت، اما به عنوان امری مقدس همچنان جریان داشت.

الهیات مسیحی، دست‌کم در نظر، نمی‌پذیرد که هر مکانی ذاتاً حامل مفهوم «تقدس» باشد، اما به وجود انسان‌های در خور تکریم باور دارد. در قرون اولیه کلیسا، مخصوصاً از قرن چهارم به بعد، غالباً هر مکان مرتبط با تثلیث یا مرتبط با افرادی که تقریبشان به خدا محرز شده بود، مقدس انگاشته شد. رشد اعتقاد به کالت (فرقه) قدیسان در توسعه مکان‌های زیارتی نقش مهمی داشت. آثار قدیسان به نوعی بیانگر حضور مشهودشان بود که زائران را جذب می‌کرد و این‌گونه، جغرافیای مقدس‌نه‌تنها در سرزمین مقدس که در سراسر جهان مسیحیت شکل گرفت. این آثار از مکانی به مکان دیگر انتقال داده می‌شد و بدین ترتیب محل‌های جدیدی از یادبود قدیسان به وجود می‌آمد. زیارتگاه این قدیسان و جانشینانشان رفته‌رفته برای مسیحیان قرون بعد مکان‌های مقدس را توسعه بخشید (Dyas, 1998: 106-107).

در عهد جدید، واژه Saints یا «قدیسان» بر همه مسیحیان اطلاق می‌شد؛ اما پس از سال ۲۰۰ م. این اصطلاح محدودتر شد و به شهدایی اطلاق شد که تا پای جان بر عقیده خود به عیسی پای‌مردی کردند. پاس‌داشت روزی که در آن شهید به ملکوت وارد می‌شود تبدیل به مراعات ایام مرتبط با قدیسان شد؛ در جوامع محلی، این روزها کم‌کم به رسمیت شناخته شد. اسقف‌ها و نیز شوراها هم ورود کردند، اما تقدیس پاپ تا سال ۹۹۳ م. رخ نداد. هر چقدر تقدیس شهادت کم‌رنگ‌تر می‌شد از آن سو، افراد برجسته و شهیر، اسقف‌ها و مدافعان دین به عنوان قدیس تکریم می‌شدند. تا قرن‌ها زندگی افرادی همچون سنت مارتین (St. Martin) و سنت آنتونی (St. Anthony) که نه تنها قدیس بودند بلکه قادر به معجزه‌کردن هم بودند تقدیس می‌شدند و از ایشان با عنوان «دوستان خدا در زمین» یاد می‌شد، کسانی که می‌توانند رابطه ویژه‌ای با خدا در آسمانش داشته باشند (Dyas, 1998: 107-108).

در اواخر قرن چهارم میلادی، آنان که از مقابر قدیسان بازدید داشتند به تدریج انتظار شفابخشی و کرامت از ایشان را ترویج کردند. هم‌اکنون از این مقبره‌ها به عنوان مکان‌هایی یاد می‌شود که آسمان و زمین در آن تلاقی می‌کنند و آثار قدیس در حقیقت پلی است میان این دو. به همین منوال، قدیسان محلی رو به افزایش رفتند و آنان که ناشناخته باقی ماندند کم‌کم کشف و محترم شدند. ایده «انتقال تقدس» به سرعت ریشه زد. تا مدتی، قانون رم و آموزه‌های مسیحی با جابه‌جا کردن یا تکه‌تکه کردن آثار مقدس، به‌ویژه آثار ثانویه‌ای که در ارتباط با بدن قدیس بود، مانند جامه یا خاک و غبار، حتی در تخالف بود، اما به محض کاستن اعمال چنین حدودی، امکان انتقال بخشی از متعلقات قدیس میسر شد. فرقه قدیسان به‌وضوح با نیاز مبرمی مواجه شد و آن لزوم ایجاد پلی ملموس میان نیاز انسان و قدرت پنهان خدا بود (Dyas, 1998: 110-115).

پاگان‌ها و نیز مسیحیان هر دو با این تحولات ناگزیر، مخالف بودند؛ قانون رومی زنده و مرده را از هم جدا کرده بود و اصرار داشت تدفین در پشت دیوارهای شهر

واقع شود، سنتی که هم‌اکنون به شدت تضعیف شده است. مخالفان مسیحی مدعی بودند که پاس داشت اشیا موجب بهانه‌جویی پاگان‌ها در مواجهه با مسیحیان شده و تلقی انحرافی دارد. ژروم در سال ۴۰۶، میان دو اصطلاح «ستایش» و «پرستش» تمیز قائل می‌شود و می‌گوید شهدا عبادت نمی‌شوند بلکه تکریم می‌شوند؛ و فرق است میان *latría* (worship) که مختص به پرستش ذات خدا است و *dulia* (veneration) که برای قدیسان استفاده می‌شود (Jerome, Letters, Against Vigilantius, 4, Available at: <https://www.newadvent.org/fathers/3010.htm>). با این حال، فرقه قدیسان به مخالفت و شبهه‌افکنی‌هایش ادامه داد. دینی که تصریح دارد خدا، همه جا همراه مردم خویش است، در حال تغییر جهت به سمت و سویی بود که ناگزیر حامل نزاع رفتاری و گفتاری و اعتقادی بود. در حقیقت، تمام رفتارهای متعبدانه مکان‌های مقدس مسیحی از قبیل شفا، تقدیم پیش‌کشی، یا خوابیدن نزدیک حرم برای کسب معنویت و ... بیشتر به باورهای پاگانیزمی شباهت پیدا کرده بود تا مسیحیت عهد جدید؛ ضمن آنکه از بهره‌های مادی هم بی‌نصیب نمانده بود.

آداب و رسوم زیارت در مسیحیت

هدف از رفتن به مکانی مقدس، در همه ادیان و عقاید، هم سیاحت است و هم زیارت؛ در مسیحیت نیز چنانچه این سفرها با هدف زیارت باشد، که یک بُعدش تقرب به خدا و بُعد دیگرش اعتلای روحیه معنوی است، غالباً و نه ضرورتاً با مراعات آداب و رسومی چند همراه بوده است. مثلاً در قدیم زائرانی^۴ که به صورت انفرادی یا در قالب هیئت، از راه‌های دور و نزدیک به یونان می‌آمدند هنگام ورود به کلیسای مسیحی امپراتوری روم، شاهد برگزاری جشن‌های پان‌هلنیستی بودند که شمار فراوانی از مردم را از سراسر یونان به خود جلب می‌کرد و به افتخار خدایان زئوس یا آپولو مراسم موسیقی یا ورزشی برگزار می‌شد که مشهورترین آنها جشنی بود که به افتخار زئوس در المپیا برگزار می‌شد، بهره‌مندی از پیش‌گویی و الهامات خدایی همچون آپولوی دلفی

(Apollo at Delphi)، خوابیدن در حرم خدا به قصد شفا، ادای نذر (ex voto)، نظر کردن به تصویر خدا یا نذر به سبب اجابت دعا و حاجت‌روایی. در نمونه دیگری تا قرن دوازده میلادی، زائران اورشلیم حدود ۳۰ کیلومتر طی می‌کردند تا به رود اردن برسند و همچون عیسی برای تطهیر نمادین از گناه و تولد دوباره، خود را در آب غوطه‌ور می‌کردند. بعدها این کار با شستن پای زائر در آخرین ساعات روز زیارت انجام می‌شد (See: Elsner & Rutherford, 2006).

در سنت کنونی مسیحیت دستورالعمل الزامی و قطعی تحت عنوان آداب زیارت وجود ندارد. این آداب غالباً به زائر و تعهد قلبی‌اش بستگی دارد، چه این زیارت، فردی باشد چه گروهی؛ روزه، طی طریق با پای برهنه، پوشیدن لباس‌هایی تن‌آزار، حمل برخی نشانه‌ها (از جمله نشانه‌های عقاب و مجازات)، و نیز قبل از رسیدن به مقصد، الزام شخصی به شستن برخی قسمت‌های بدن و هنگام رسیدن، استعمال بوی خوش، ادای احترام، روشن کردن شمع و ... حتی منع و قبح برخی اعمال همچون نزاع یا دزدی؛ بعد از زیارت و هنگام بازگشت به خانه هم آوردن نشان یا هدیه (سوغات) و مثلاً جمع کردن قدری از آب مقدس مانند آب رود اردن (Jordan River) یا آب لوردس (Lourdes) و الزام به حفظ آثار زیارت در زندگی (نوعی مراقبه بر حفظ حالات معنوی)؛ اما آنچه غالباً هنگام حضور در مکانی مقدس مراعات می‌شود یا پاره‌ای از عقاید و رسوم زیارتی، مشتمل است بر:

- خوانش متن مقدس؛ که می‌تواند به صورت فردی یا جمعی، به صورت زمزمه یا با صدای بلند، تکرار، همنوایی یا استماع محض باشد.

- اقرار به گناه و توبه؛ خوب است هر زائر اعتراف کند که به عنوان انسان، گناهکار است و اکنون در جایگاه زائر، پناهی ندارد، چون مسافری سرگردان است که از مکانی به مکان دیگر آواره است؛ همه دارایی‌اش تکه‌نانی است و کتابی مقدس با کیسه‌ای بر دوش و غیر از این هیچ ندارد.

- **شکرگزاری، دعا و حضور قلب:** در هنگام قرائت یا زمزمه دعا شخص مسیحی می‌کوشد به وقایع مقدس و تاریخی مرتبط با آن مکان، مثلاً تولد یا رستاخیز عیسی و مخصوصاً واقعه تجسم عیسی و ... بیندیشد و بهره معنوی ببرد. مسیحیان معتقدند با حضور در هر مکان زیارتی، در واقع وفاداری‌شان به عیسی را تجدید کرده و ضمن حصول نشاط معنوی، فهم درست‌تری از عقاید دینی به دست می‌آورند.

- **مسح و بوسه:** در مسیحیت، سنتی به نام قبله‌السلام یا قبله‌المقدسه (Kiss of Peace) مرسوم است که گاه بوسه مقدس نیز نامیده می‌شود که نباید با آداب زیارت امکان و بوسه بر مکان مقدس آن را اشتباه گرفت؛ بوسه دو مرد (بوسه برادر) یا دو زن (بوسه خواهر) به قصد تحیت و نشانه‌ای از صلح، دعای خیر و برکت است؛ و در کتاب مقدس نیز به این نوع بوسه اشاره شده است (نک.: رومیان ۱۶: ۱۶؛ قرنتیان ۱۳: ۱۲؛ اول تسالونیکیان ۵: ۲۶). این عمل در برخی کلیساها و مکان‌ها بخشی از عبادت محسوب می‌شود. اما بوسه زدن بر خود مکان مقدس به قصد تبرک امر دیگری است؛ مثلاً زائرانی که (اغلب در ایام کریسمس) به بیت‌لحم و کلیسای مهد، که بنایش به قرن چهارم بازمی‌گردد، می‌روند در محوطه‌ای به نام Grotto of the Nativity بر ستاره ۱۴ پَری، که معتقدند نقطه دقیق تولد عیسی است، زانو و بوسه می‌زنند. در مسح و لمس نیز مخصوصاً مسیحیان ارتدوکس هنگام زیارت سنگ کلیسای مقدس، با هدف مسح پیکر عیسی، هنگام زانو زدن، سنگ را مسح می‌کنند یا سر بر آن سنگ می‌نهند و حتی اشیا و پارچه‌هایی به قصد تبرک بر آن می‌کشند.

- **قوانین پوشش:** این قوانین که در کل به آیین پوشش (Dress Code) موسوم‌اند در مباحث مربوط به زیارت چندان لازم‌الاجرا نیست و در مسیحیت نیز مانند سایر ادیان، به آن توصیه شده اما واجب نشده است. اولاً در نظر گرفتن وضعیت آب و هوایی هر منطقه بر نوع پوشش تأثیر دارد، اما در کل توصیه می‌شود زنان و مردان پا و نیز شانه‌ها را بپوشانند. زنان نیز غالباً و مختارانه و شاید به تاسی از مریم مقدس، که

تندیس و نگاره‌هایش همه جا و در تمام تاریخ مسیحیت با حجاب و پوشیده بوده، سر خود را نیز می‌پوشانند. هرچند در رساله اول قرن‌تینان صراحتاً به لزوم پوشش زنان به هنگام عبادت تأکید شده و زن را شکوه جلال همسرش می‌شمرد که یا باید موی خود بپوشد یا بتراشد و این را نشانه‌ای از اطاعت شوهر می‌خواند و می‌گوید: «درست نیست زن در یک جمع بدون پوشش سر دعا کند» (اول قرن‌تینان: ۱۱).

- **پیاده‌روی:** برخی از مسیحیان فاصله میان برخی امکنه مقدس مانند ناصره تا بیت‌لحم را پیاده طی می‌کنند و معتقدند این کار به منزله هم‌پیمایی با مریم مقدس و یوسف است که پیش از تولد عیسی به سوی بیت‌لحم می‌رفتند. زیارت شمع هولتزکرسن (Holzkirchen candle pilgrimage) نیز در آلمان نوعی پیاده‌روی سالیانه به منظور تجدید عهد زائران و شکرگزاری به مقام مریم مقدس است که قدمتش به نیم قرن پیش بازمی‌گردد؛ تاکنون در نحوه اجرای آن تغییری حاصل نیامده و در جمعه پیش از گلریزان روز یکشنبه آغاز می‌شود. زائران با در دست داشتن شمعی به وزن ۵۰ کیلوگرم در شهر باواریای آلمان به سمت کلیسای بوگنبرگ حرکت می‌کنند و این مراسم در روز یکشنبه به پایان می‌رسد. سنت پیاده‌روی در خیابان ویادولوروسای اورشلیم نیز که به کلیسای مقبره مقدس ختم می‌شود از همین سنخ است.

- **رسم کهن پوشیدن جامه گشاد و بلند (The Holy Robe pilgrimage):** این نوع زیارت به ویژه در میان مسیحیان آلمان مرسوم است که همه مسیحیان در جشن سالانه‌ای که در تاریخ ۱۳ آوریل تا ۱۳ می برگزار می‌شود، دعوت دارند و اغلب حاوی شعاری با مضمون یگانگی با عیسی است؛ این رسم کهن از سال ۱۵۱۲ آغاز شده و اعتقاد به لحظه‌ای است که عیسی را چون برای مصلوب شدن می‌بردند، جامه‌ای سپید و گشاد بر تن داشت. در سال ۱۹۹۶ حدود یک میلیون زائر از سراسر جهان در این مراسم شرکت داشتند. رسم تسلادهنده مبتلا (Comforter of the afflicted) نیز در آلمان سنتی است که بر اساس آن عده‌ای از زائران به ویژه با راندن موتور به سوی کلیسای مریم

باکره در آلمان، برای کسانی که در سوانح و تصادفات دچار آسیب شده‌اند از مریم مقدس طلب دعا و مغفرت می‌کنند. در ماه ژوئیه هزاران دوچرخه‌سوار و موتورسوار در صفوفی منظم با شعار «دعای N سوار» ('pray 'n' ride') از مریم مقدس طلب فیض می‌کنند. این مراسم به صورتی جذاب با پوشش‌هایی یکسان، و همراه با روشن کردن آگروز موتورها و چراغ‌ها است (See: Davidson & Gitlitz, 2002; Flaherty, 2015; Eller, 2014).

جغرافیای زیارت در مسیحیت

تقریباً از قرن یازدهم به بعد مقابر قدیسان یا آثار باقی‌مانده از آنان، در اروپا بیش از پیش محل توجه قرار گرفت. از میان مکان‌های مقدس و برجسته در مسیحیت می‌توان به اورشلیم، رم و سانتیاگو ده کومپوستلا اشاره کرد که سانتیاگو ده کومپوستلا برای آلمان، پرتغال، ایتالیا، فرانسه بهترین و سراسرترین مسیر زیارتی محسوب می‌شود. زیارت این مکان‌ها نوعی ابراز سرسپردگی به دین بوده و گاه حتی رفتن به زیارت به عنوان کفاره گناه تجویز می‌شود. در ادامه، به تفکیک برخی از مهم‌ترین اماکن مقدس مسیحیان را معرفی می‌کنیم.

انگلستان

کلیسای جامع (Canterbury Cathedral)؛ تاریخ این کلیسا به سال ۵۷۰ بعد از میلاد باز می‌گردد؛ زمانی که سنت آگوستین به نمایندگی از پاپ، وارد شهر کنت شد تا مسیحیت را در میان آنگلو ساکسن‌ها تبلیغ کند. پس از ساخت این کلیسا، شخص آگوستین نخستین روحانی و اسقف اعظم کانتری شد. در دوران اصلاحات، این کلیسا از صدمات آتش‌سوزی مصون نماند، اما پس از بازسازی همچنان برخی از آثار و نشان‌های اسقف‌ها و روحانیانش دیده می‌شود (Davidson & Gitlitz, 2002: 80-81).

کلیسای وست‌مینستر (Westminster Abbey)؛ کلیسای دانشگاهی سنت پیتر در وست‌مینستر؛ کلیسایی بزرگ و به سبک گوتیک که در منطقه وست‌مینستر شهر لندن، واقع شده و محل تدفین اشراف‌زادگان و بزرگان و شاعران نیز هست (Davidson & Gitlitz, 2002: 599).

استونهنج (Stonehenge)؛ مکانی متشکل از بیش از ۹۰۰ دایره و بیضی سنگی در جزایر انگلیس، واقع در دشت سالیسبری در ویلتشایر؛ این مکان در حیات خود طی دو دوره جایگاه زیارتی داشته است: در دوره نوسنگی (۴۰۰۰ سال قبل از میلاد-۲۴۰۰ سال قبل از میلاد) به عنوان آرامگاه و شاید مرکزی نجومی، و در دوره کنونی به عنوان مکانی مقدس برای باورمندان به معنویت عصر جدید (Davidson & Gitlitz, 2002: 613).

والسینگهام (Walsingham)؛ در سال ۱۰۶۲، بیوه‌زن ثروتمندی مدعی شد در خواب، مریم باکره را دیده که به او سفارش کرده است مکانی بسازد مشابه خانه‌ای که جبرئیل در آنجا اعلام داشته مریم، مادر عیسا است. پس از پشت سر گذاشتن پاره‌ای مشکلات، سرانجام این مکان ساخته شد و در نیمه دوم قرن دوازدهم دو مجسمه چوبی از مادری باکره و در حالت نشسته که فرزندش قادر به معجزه است آورده شد. در قرن سیزدهم نیز شیشه‌ای که معتقد بودند حاوی شیری است متعلق به مریم، به آنجا اهدا شد. همه این عجایب منجر به جذب عده بی‌شماری از مردم، حتی اشراف‌زادگان، شد. اما در دوران اصلاحات رو به ویرانی نهاد تا آنکه در قرن نوزدهم بار دیگر بازسازی شد. امروز هر ساله حدود ۲۵۰۰۰۰ نفر به این حرم مشرف می‌شوند و روزهای اصلی زیارت ۲۵ مارس (عید بشارت) و ۱۵ اگوست (عروج مریم) است. در طول سال چندین رویداد دیگر برگزار می‌شود: زیارت‌های ملی آنگلیکن و کاتولیک (به ترتیب در ماه مه و سپتامبر)، زیارت برای بیماران (ژوئیه)، زیارت ایمان و نور برای جوانان عقب‌مانده و حتی زیارت اعضای مسیحی پارلمان (ماه می) (Davidson & Gitlitz, 2002: 677-678).

یورک منستر (York Minster)؛ دومین کلیسای مهم انگلستان در شمال انگلیس که از قرن سیزدهم تا پانزدهم به عنوان زیارتگاه مطرح شد. چاه مقدس یورک در اوایل قرن هفتم مشهور بود: پادشاه ادوین نورتومبریا در سال ۶۲۷ در آنجا غسل تعمید یافت و بلافاصله کلیسایی را برای محصورکردنش ساخت. یورک در اوایل قرون وسطا، نورتومبریا پایتخت پادشاهی شمال انگلیس گرچه اسقف اعظم داشت اما از شهرت کافی برای جذب زائران برخوردار نبود. از این رو در سال ۱۲۲۶ پاپ اسقف اعظم قرن دوازدهم، ویلیام فیتز هربرت را مقدس دانست. فیتز هربرت، نوه بزرگ ویلیام فاتح، در سال ۱۱۴۱ به عنوان اسقف اعظم یورک انتخاب شده بود. این انتخابات به شدت با اعتراض مواجه شد، به طوری که پاپ نتایج را در سال ۱۱۴۸ باطل کرد. شمار فراوانی هنگام ورود به یورک به استقبال او آمدند تا حدی که پل رودخانه اوسه (Ouse River) فرو ریخت. تلفات نداشتن این حادثه، به مداخله الهی در انتخاب اسقف اعظم نسبت داده شد و آن را اولین معجزه وی دانستند. سه هفته بعد اسقف اعظم به شدت بیمار شد و درگذشت. اکثریت معتقد بودند دشمنان وی جام شراب مقدس را مسموم کرده‌اند. زیارت مقبره او تقریباً بلافاصله از همان زمان آغاز شد و از آن زمان تا زمان اصلاحات، یورک به عنوان یکی از جاذبه‌های زیارتی شمال انگلستان رونق گرفت (Davidson & Gitlitz, 2002: 694-695).

آلمان

محراب خون مقدس (the Holy Blood)؛ یکی از مهم‌ترین حرم‌های زیارتی در آلمان، کلیسای والدورن (Walldürn's pilgrimage basilica) است که سالانه میزبان بیش از ۱۵۰ هزار زائری است که برای زیارت محراب خون مقدس می‌آیند. قدمت این سنت به هفتصد سال قبل باز می‌گردد (<https://thecatholictravelguide.com/>) (/destinations/germany/walldurn-germany-home-eucharistic-miracle-alldurn).

زیارت آخن اعظم (The Great Aachen Pilgrimage)؛ بیش از صد هزار نفر پیرو سنتی قدیمی که به سال ۱۲۳۹ باز می‌گردد برای زیارت کلیسای جامع آخن مقدس عزم

سفر می‌کنند تا چهار اثر و نشانه از کتاب مقدس (پارچه قن‌داق مسیح، پیراهن عیسی، لباس مریم و یک پارچه متعلق به جان باپتیست) را ببینند، آثاری که هر هفت سال یک بار رونمایی می‌شود (Davidson & Gitlitz, 2002).

کلیسای کلن؛ کلیسای کلن با سبک گوتیک یکی از بزرگ‌ترین کلیساهای جهان است و در مکانی ساخته شده که برای اولین بار مسیحیان شهر کلن در آن گرد هم آمدند. امروزه این کلیسا پذیرای حدود ۶ میلیون بازدیدکننده در سال است (Davidson & Gitlitz, 2002).

آمریکا

باسیلیکای عبادتگاه ملی لقاح معصوم (Basilica of the National Shrine of the Immaculate Conception)؛ پرستشگاه تاریخی کاتولیک در شهر واشنگتن، که در سال ۱۹۱۹، به دستور کشیشی آمریکایی در قالب طرحی برای ساخت زیارتگاه بزرگ ملی کاتولیک تصویب شد. ساخت آن در ۱۹۲۱ آغاز شد و تقریباً ۴۰ سال به طول انجامید. این زیارتگاه را کلیسای کاتولیک روم در پایتخت ایالات متحده به عنوان زیارتگاه ملی کاتولیک تعیین کرد. باسیلیکا مکانی است برای عبادت، زیارت، انجیلی‌گرایی و تقرب به خدا. امروزه این بنا یکی از ده ساختمان دینی بزرگ جهان و بزرگ‌ترین کلیسای نیمکره غربی زمین است و ساخت و ساز این بنا همچنان ادامه دارد (Davidson & Gitlitz, 2002: 430).

باسیلیکای عبادتگاه ملی گل کوچک (Basilica of the National Shrine of the Little Flower)؛ پرستشگاه تاریخی کاتولیک در شهر سن آنتونیو در تگزاس که از معدود مکان‌ها در آمریکای شمالی است که پاپ ماینور باسیلیکا (Minor Basilica) آن را چنین نامیده است. این عبادتگاه که به یادبود قدیس کاتولیک فرانسوی، بانو ترزا دو لیسئو (Thérèse de Lisieux) مشهور به «گل کوچک مسیح» (The Little Flower of Jesus) بنا شده، در سال ۱۹۲۹ ساخته شد (Davidson & Gitlitz, 2002).

استرالیا

ماریازل (Mariazell)؛ نام شهری کوچک که برای کاتولیک‌ها شهری زیارتی محسوب می‌شود. علت تقدس نیز حک‌شدن اعجاز‌آمیز تصویر مریم مقدس بر تنه چوبی درخت است که در سال ۱۱۵۷ به این مکان انتقال داده شد و کلیسای حاوی اشیای قیمتی برای آن ساختند (Davidson & Gitlitz, 2002: 369).

ایتالیا

واتیکان، رم؛ واتیکان دولت شهری مستقل است که در درون شهر رم در کشور ایتالیا جای دارد؛ محل اقامت پاپ، رهبر کاتولیک‌های جهان و مرکز کلیسای کاتولیک است. واتیکان با سریر مقدس، که نام حوزه اسقف‌نشین این شهر است، متفاوت است. این دولت شهر مستقل در سال ۱۹۲۹ با توافق مقامات سریر مقدس و بنیتو موسولینی، نخست‌وزیر ایتالیا، بنیان نهاده شد، اما قدمت سریر مقدس به اوان پیدایش مسیحیت می‌رسد. سریر مقدس عالی‌ترین اسقف‌نشین کلیسای کاتولیک و حکومت مرکزی کلیساهای کاتولیک به شمار می‌رود و در جامعه بین‌المللی واحد مستقلی واجد حاکمیت محسوب می‌شود. کلیسای سنت پیتر، بزرگ‌ترین کلیسای جهان است و در واتیکان قرار دارد و هر ساله جمع کثیری از مسیحیان جهان را به سوی خود می‌خواند (Davidson & Gitlitz, 2002: 555).

خانه آسیزی (Basilica of St. Francis)؛ خانه سنت فرانسیس آسیسی (۱۱۸۲-۱۲۲۶)، بنیان‌گذار فرقه فرانسیسان که از اوایل قرن سیزدهم یکی از محبوب‌ترین مقاصد زیارتی اروپا به شمار می‌رود. اگرچه در زمان روم باستان شهر اومبریا مقدس بود و اینک نیز بقایای تئاتر و سالن آمفی‌تئاتر، تالار گفت‌وگو، مخزن و معبدی برای الاهی مینروا بر جای مانده است، اما امروزه نام و شهرت آسیزی از سنت فرانسیس نشئت می‌گیرد. شهر باستانی آسیسی زادگاه سنت فرانسیس، قدیس حامی حیوانات و محیط زیست است، چراکه وی ابتدای کار خود را در جنگل با وعظ حیوانات و پرندگان آغاز کرده بود. هر

ساله در چهارم اکتبر جشنی با عنوان جشن بخشایش و کفاره که بانی‌اش خود آسیزی بود، در این مکان برگزار می‌شود (Davidson & Gitlitz, 2002: 43).

کلیسا و زیارتگاه پادره پیو (Padre Pio Pilgrimage Church)؛ واقع در سن جیوانی روتوندو؛ در این منطقه زائران در امتداد مسیر پیاده‌روی مستقیم، طولانی و شیب‌دار با مناطقی تراس‌بندی‌شده به صورت باغ‌های گسترده در اطراف آن به محل کلیسا هدایت می‌شوند. پادره پیو راهبی کاپوچین بود که در دهه ۱۹۱۰ شهرت یافت و این کلیسا به اسمش نام‌گذاری شد. هر ساله بین ۶ تا ۷ میلیون زائر به این مکان سفر می‌کنند اما ۲۳ سپتامبر سالگرد درگذشت پادره پیو مهم‌ترین روز زیارت است که در ساعت دو بعد از ظهر مراسمی دسته‌جمعی برگزار می‌شود و شمع‌های یادبود قرمز رنگ در سراسر شهر نمایش داده می‌شود (Davidson & Gitlitz, 2002: 569).

کلیسای باسیلیکای سنت پیتر، واتیکان (Saint Peter's Basilica)؛ کلیسایی که در اواخر دوران رنسانس، در واتیکان ساخته شد. کلیسای سنت پیتر بزرگ‌ترین ورودی را در بین تمام کلیساهای مسیحی موجود در جهان دارد. حدود ۶۰ هزار نفر می‌توانند هم‌زمان در این کلیسا عبادت کنند. در سنت کاتولیک، این کلیسا محل دفن سنت پیتر است. او یکی از دوازده حواری عیسی مسیح بود. مطابق با روایات، وی اولین اسقف روم و بنابراین، اولین جانشین پاپ محسوب می‌شد. روایات و برخی از شواهد تاریخی نشان می‌دهد که قبر سنت پیتر، درست در زیر محراب کلیسا قرار دارد. به همین دلیل از دوران اولیه مسیحیت، بسیاری از پاپ‌ها، پس از مرگ، در این مکان دفن می‌شوند (See: Davidson & Gitlitz, 2002).

فرانسه

کلیسای نوتردام، پاریس (the cathedral of Notre Dame de Paris)؛ کلیسای نوتردام که به آن کلیسای «نوتردام دوپاری» نیز می‌گویند، شهرت بین‌المللی دارد. «نوتردام» به زبان فرانسه به معنای «بانوی ما» است. این کلیسا یکی از مهم‌ترین بناهای مذهبی و

توریستی پاریس و یکی از زیباترین کلیساهای اروپا با قدمتی بیش از هفتصد سال است که از مراکز اصلی گردشگری در پاریس محسوب می‌شود. کلیسای نوتردام تاریخ پرفراز و نشیبی را از سر گذرانده است. سربازانی که درگیر جنگ صلیبی بودند پیش از رفتن به میدان جنگ در این مکان دعا می‌کردند و موسیقی چندآوایی در این کلیسا شکل گرفت. در طول انقلاب فرانسه، کلیسای نوتردام نیز همچون دیگر کلیساهای فرانسه غارت شد، اشیای باارزش کلیساهای دیگر هم نابود شد یا به تاراج رفت. فقط ناقوس‌های بزرگ از خطر ذوب‌شدن در امان ماند. در طول انقلاب فرانسه از محوطه داخلی کلیسا برای انبار غذا استفاده می‌شد. در همین مکان بود که ناپلئون بر اولویت دولت بر کلیسا تأکید، و به عنوان امپراتور فرانسه تاج‌گذاری کرد و ژوزفین را ملکه خود خواند. هنگامی که پاریس در جنگ جهانی دوم آزاد شد ژنرال دوگل پس از بازگشت به فرانسه مراسم شکرگزاری را در این کلیسا به جای آورد (Davidson & Gitlitz, 2002: 445).

آفریقا

کلیسای جامع سنت ماری، اکسام (Axum)، اتیوپی (St Mary's Ethiopian Orthodox Tewahedo Church (The Church of Our Lady Mary of Zion))؛ این کلیسا در قرن هفدهم میلادی بنا شده و ساختمانی کاملاً سنگی دارد. طبق افسانه‌های قدیمی مردم اتیوپی، تابوت عهد حضرت موسی (ع) را، که ده فرمان وی را در خود جای داده است، در زمان ملکه سبأ پس از پذیرفتن آیین موسی (ع)، منلیک پسر ملکه سبأ و درباریانش به سرقت بردند و به محل امروزی کلیسای جامع سنت ماری در شهر اکسام منتقل شد. امروزه فارغ از صحت افسانه‌های باستان، گردشگران و زائران بی‌شماری از سرتاسر جهان برای بازدید از این کلیسا به اتیوپی مسافرت می‌کنند. در حال حاضر، شهر کوهستانی اکسام به لطف برخورداری از این سابقه تاریخی، میزبان مسیحیان ارتدوکس بی‌شماری است که همه‌ساله برای دیدن تابوت عهد به این شهر مسافرت می‌کنند (Davidson & Gitlitz, 2002: 17).

یونان

مونت اتوس (Mount Athos)، یونان؛ این معبد در سال ۱۰۴۵ به دست کنستانتین نهم، امپراتور بیزانس، بنا شد و فقط مخصوص مردان بود. حتی حیوانات ماده و کودکان نیز اجازه ورود به آن را نداشتند. اگرچه ورود حیوانات به آن اینک آزاد شده، اما هنوز برخلاف قوانین اتحادیه اروپا زنان اجازه ورود به آن را دریافت نکرده‌اند. منطقه مونت اتوس ناحیه‌ای خودمختار در شبه‌جزیره‌ای در شمال شرق یونان است (Davidson & Gitlitz, 2002: 410).

برزیل

کلیسای آپارسیدا (Basilica of the Shrine of Our Lady of Aparecida)؛ شهر آپارسیدای برزیل پذیرای بزرگ‌ترین زیارتگاه مریم مقدس در جهان است که سالانه هشت میلیون نفر بازدیدکننده دارد. ریشه‌های این زیارتگاه به قرن ۱۸ میلادی باز می‌گردد. در سال ۱۹۵۵ کلیسایی در آپارسیدا ساخته شد که با گنجایش ۴۵ هزار نفر دومین کلیسای جهان پس از سنت پیترز رم است (Davidson & Gitlitz, 2002: 38).

بیت‌المقدس

بیت‌المقدس یا اورشلیم یکی از نام‌های شهر باستانی و مقدس اسلامی، مسیحی و یهودی، در کشور فلسطین است. این شهر یکی از چهار شهر مقدس یهود محسوب می‌شود و در کنار شهرهای صفاد، حبرون و طبریه، محل سکونت بسیاری از دانشمندان مذهبی یهودی بوده است. این شهر پس از مکه و مدینه سومین شهر مقدس در اسلام و مقدس‌ترین شهر در مسیحیت محسوب می‌شود. طبق سنت مسیحی، یکی از وقایع مهمی که در دوره تسلط رومیان در فلسطین اتفاق افتاد، تولد عیسی مسیح است. مسیح در روستای بیت‌لحم نزدیک قدس دیده به جهان گشود. با تولد مسیح فلسطین، به‌ویژه شهر بیت‌المقدس، دوران مهمی را آغاز کرد. در حالی که عیسی به پیامبری برگزیده

شده بود، از شهر ناصره به سوی بیت المقدس حرکت کرد. در راه بیت المقدس، از عیسی معجزه‌های فراوانی به ظهور پیوست، از جمله: شفادادن بیمار، زنده کردن شخص مرده، شفای مصروع و برص، غذادادن به چهار هزار نفر با هفت قرص نان، راه رفتن روی آب، شفادادن مردی که دستش خشک شده بود، شفای فلج و جزامی و عیسی پس از ورود به بیت المقدس، بی درنگ به پرستشگاه بزرگ شهر، مسجدالاقصی، رفت و در آنجا به تبلیغ دین خدا و تعلیم مردم مشغول شد. او در پرستشگاه شهر، هر روز مردم را با تعالیم الاهی آشنا می کرد و به آنها اندرز می داد. بالأخره با ظهور عیسی و ورودش به بیت المقدس، بار دیگر روح خدایی به این شهر دمیده شد و فصل تازه‌ای آغاز شد. در این شهر بود که عیسی از آنجا به آسمان رفت (See: Davidson & Gitlitz, 2002; Eade & Sallnow, 2013: 98).

مکان زیارتی لازاروس (Lazarus of Bethany)؛ زنده کردن لازاروس (ایلعازر) به دست عیسی، چهار روز پس از مرگ وی، یکی از معجزات عیسی است که در انجیل یوحنا ذکر شده است. این مکان واقع در بتانی^۶ است و نام امروزی اش العیزریه (Eizariya) است. اعتقاد بر این است که پیش تر خانه مریم، مارتا و لازاروس^۷ بوده و عیسی نیز به محض ورود به اورشلیم در آنجا سکنا گزیده است (https://www.biblegateway.com/resources/encyclopedia-of-the-bible/Lazarus- (Bethany)).

جتسیمانی (Gethsemane)؛ نام باغی است که در پایه کوه زیتون در شهر بیت المقدس قرار گرفته است. به باور مسیحیان، باغ جتسیمانی محلی است که عیسی مسیح در شبی که یهودا او را به رومی ها تسلیم کرد و به وی خیانت کرد، آخرین «غذای زمینی» موسوم به «شام آخر» را به همراه شاگردانش در آن صرف کرد. همچنین، مریم مقدس در این باغ مدفون شده است. این باغ از بناهای مهم مذهبی بیت المقدس و از زیارتگاه‌های مهم مسیحیان محسوب می شود. به باغ

جتسیمانی در زبان عبری، باغ گت شمن می گویند (Davidson & Gitlitz, 2002: 276).

کلیسای مهد (Church Of Nativity)؛ نام یکی از مقدس ترین اماکن مذهبی مسیحیان که در بخش قدیمی شهر بیت لحم در کرانه باختری قرار گرفته است. این باسیلیکا را کنستانتین و مادرش هلنا در سال ۳۳۹ م. به اتمام رساندند، اما در پی آشوبها و جنگهای قرن ششم به کلی ویران شد. به باور مسیحیان، این کلیسا زادگاه دقیق عیسی مسیح بوده، و در مکان همان غاری است که می گویند عیسی در آن متولد شده است. در سال ۱۳۵ م. این مکان به پرستش الاهی آدونیس (الاهی زیبایی و آرزو) تغییر کرد؛ در سال ۴۲۰ م.، ژروم پیش از مرگ خود اعلام کرد که غار مقدس محل تولد عیسی در همان نقطه ای است که این الاهی در آن قرار دارد و برای محو نام عیسی این محل به درختستان تبدیل شده است تا رؤیت غار امکان پذیر نباشد. برخی از پژوهشگران هم گفته اند فرقه آدونیس - تموز، تقدس این حرم را موجب شده و چون مسیحیان آن را به دست گرفتند تقدیس عیسی را جایگزین کردند (Craveri, 1967: 35-36).

ویا دولوروسا (The Via Dolorosa)؛ به معنای طریق الم؛ نام خیابانی در بخش باستانی بیت المقدس است. به باور مسیحیان، مسیر این خیابان، همان راهی است که عیسی در روز مصلوب شدن، آن را صلیب بر دوش و با مصائب فراوان طی کرد و نهایتاً سه روز بعد از مرگ، به رستاخیزی جسمانی نائل آمد. سالیانه صدها هزار زائر مسیحی برای بازدید از ویادولوروسا که به کلیسای مقبره مقدس ختم می شود، به این شهر سفر می کنند و بسیاری از آنها این مسیر را، در حدود ۶۰۰ متر، پیاده می روند. اولین زیارت ثبت شده از این مکان به وقایع کتاب مقدس و دوران بیزانس باز می گردد؛ بر فراز کوه زیتون و در پنجشنبه ای مقدس زیارت آغاز، و به جتسیمانی ختم شد. پس از آن تغییراتی در مسیر ایجاد شد و چندین ایستگاه برای توقف دایر گردید (Davidson & Gitlitz, 2002: 277).

کلیسای مقبره مقدس؛ مشهور به «کلیسای رستاخیز» نام یکی از مقدس‌ترین اماکن مذهبی مسیحیان است که در انتهای خیابان ویادولوروسا، در بخش قدیمی بیت‌المقدس و بر فراز دره جلجتا قرار گرفته است. به باور مسیحیان، عیسی مسیح در جایی که اکنون کلیسای مقبره مقدس بر روی آن قرار گرفته، مصلوب شده و از آنجا به آسمان عروج کرده است. اصل مفهوم قیام عیسی از میان مردگان به دلیل تاوان گناه آدمیان است؛ این، اعتقاد الهیاتی اصلی مسیحیان و نیز مصوبه شورای نیقیه است. در زیرزمین کلیسای قبر مقدس، مکانی قرار دارد که بر پایه داده‌های کتاب‌های عهد جدید، آرامگاه عیسی مسیح در آنجا واقع شده است (Davidson & Gitlitz, 2002: 111).

بیت‌لحم؛ طبق سنت اولیه مسیحی، اعتقاد بر آن است که این شهر مکان تولد عیسی است. این مطلب در آیه‌ای از کتاب میکاه نبی نیز ذکر شده است. این مکان که در پنج‌ونیم مایلی غرب اورشلیم واقع شده، مهم‌ترین کلیسا، یعنی کلیسای مهد، را در خود جای داده و کانون تولد عیسی در آن به صورت ستاره‌ای ۱۴ پر بر کف زمین نشان داده شده است. جعبه آخور (The Chapel of the Manger) که مسیحیان معتقدند مریم، پس از تولد عیسی، وی را در آن گذاشت نیز در همان نزدیکی است (Davidson & Gitlitz, 2002: 60).

ترکیه

کلیسای سنت پیتر (Church of Saint Peter)؛ مشهور به «کلیسای غاری» نام مکانی مقدس برای پیروان کلیسای کاتولیک که در آنتالیا در جنوب کشور ترکیه قرار دارد. این مکان به روایتی، اولین محل عبادت مسیحیان در غار بوده که سنت پیتر، روحانی مسیحی، در آنجا برای پیروان عیسی مسیح موعظه می‌کرده است. همه ساله بسیاری از مسیحیان از سراسر جهان برای زیارت به این مکان سفر می‌کنند (<http://www.sacred-destinations.com/turkey/antioch-cave-church-of-peter>).

مصر

صومعه سنت آنتونی (Monastery of Saint Anthony)؛ نام صومعه‌ای تاریخی در کشور مصر که در میان کوه‌های ساحل دریای سرخ ساخته شده است. این صومعه، قدیمی‌ترین صومعه مسیحی در جهان است و مسیحیان قبطی آن را اداره می‌کنند. سنت آنتونی در اوایل سده ۴ میلادی، به مدت ۴۰ سال، در غار کوچکی در کوهستانی نزدیک به دریای سرخ، زندگی و عبادت می‌کرد. صومعه سنت آنتونی حدود سال ۳۶۰ م. به یاد او ساخته شد (<https://artsandculture.google.com/story/6AUBOWdy1oTug>).

پرتغال

فاتیما (Fátima)؛ این شهر به سبب مکاشفه‌ای که در سال ۱۹۱۷ برای سه کودک چوپان رخ داد مشهور شد (Davidson & Gitlitz, 2002: 181-183).

نتیجه

زیارت در مسیحیت، حرکتی مذهبی برخاسته از عقیده‌ای با عقبه دینی است؛ تعبیری است از ادای نذورات و قربانی، شرکت در مراسم مذهبی و بازدید از بناها و مراکز دینی. در حقیقت، این مفهوم، هم ناظر به روایات عهد جدید است و هم مرتبط با قدیسان و معجزات. نخستین زیارت از مکانی آغاز شد که به تعبیری با روحانیت (کشیشی) عیسی مرتبط است. علاوه بر اولین نمونه اورپژن (متکلم شهیر مسیحی اهل اسکندریه) که در پی کشف نشانی از عیسی، حواریون و رسولان با اقوامی بومی مواجه شد و این‌گونه به مدد راهنمایی ایشان توانست محل واقعی چند رویداد انجیلی از جمله واقعه‌ای^۸ را کشف کند که به نوعی در احیای زیارت سرزمین مقدس و اورشلیم نقش مهمی ایفا کرد. سفرنامه «زائری از بوردو» به عنوان قدیمی‌ترین سفرنامه سیاحتی زیارتی به‌جای‌مانده از دوران مسیحیت اولیه^۹ به‌خوبی نحوه سلوک زیارتی مردم متعلق به سال‌های ۳۳۳ را بازگو می‌کند. مقاصد به بیت لحم، ناصره و اورشلیم ختم

می‌شد، جایی ۳۰۰۰ مایل دورتر از اروپا. دیری نگذشت که زیارت از این مکان‌ها رایج شد، به گونه‌ای که مردم قرون وسطا غالباً تعطیلات خود را به بازدید و زیارت از این مکان‌ها سپری می‌کردند. گاهی گروهی از ایشان با تشکیل دسته‌جاتی به سوی بقعه‌ای شریف یا مکانی مقدس همراه می‌شدند تا مراسم دعا و نیایش را به همراه هم به جا آورند. در دوران جنگ‌های صلیبی، زیارت به یک تعهد عمیق مذهبی بدل شد و هزاران نفر را جذب می‌کرد. هنگام تصرف اورشلیم به دست ترکان سلجوقی و نیز افراد متعصب قوم تاتار، مردم گرچه وحشت‌زده اما همچنان متعهد بودند که برای جلوگیری از اهانت کفار، به زیارت خود تداوم ببخشند و آن را عملی وارسته و ارزشی قلمداد می‌کردند و همین اعتقاد منجر شد زائر، به مبارز، و زیارت، به عملیاتی نظامی بدل شود. با همه مشقات ناگزیر تاریخی اما، زیارت در سنت مسیحیت ادامه یافت، تا قرن حاضر؛ که حتی طبق برخی آمار نوعی احیای سنت زیارت در میان مسیحیان دیده می‌شود که گاه مسافت‌هایی طولانی را با پای پیاده مثلاً تا سانتیاگو کامپوستلا طی می‌کنند یا مثلاً در روز جهانی جوان که به ابتکار واتیکان به صورت جهانی برگزار می‌شود در مراسمی مذهبی جوانان به پاس داشت امکان زیارتی ترغیب شده و گرد هم جمع می‌شوند. در سال ۱۹۹۹، پاپ ژان پل دوم در نامه‌ای اهمیت رفتن به مکان‌های مقدس را نوعی رستگاری برشمرد و معتقد بود این مکان‌ها جایی برای مواجهه با امر قدسی‌اند، امری که آن را بیش از هر جای دیگری می‌توان عمیقاً در چنین فضاهایی تجربه کرد (Letter of The Supreme Pontife John Paul II at: [www.vatican.va/content/john-paul-ii_let_30061999_pilgrimage.htm](http://www.vatican.va/content/john-paul-ii/en/letters/1999/documents/hf_jp-ii_let_30061999_pilgrimage.htm)).

ارمغان سفر زیارتی هم نوعی تغییر است، که زائر رونده با زائر بازگشته بسیار متفاوت شده است، زیرا غالباً تحول درونی، آرامش قلبی و دیدگاه جدیدی به زندگی یافته است. زیارت در ارتباط با گردشگری هم از چنین دامنه‌ای برخوردار است؛ گردشگر مذهبی شاید به ظاهر در پی سیاحت باشد اما چون مانند زائر در مکانی مقدس قرار می‌گیرد از معنویت آن فضا بی‌بهره نیست و کمترین تأثیرش

همان ره آورد معنوی سفرش است، سوغاتی از مکان زیارتی که دربردارنده تجربه‌ای مذهبی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای نمونه‌های بیشتر نک.: تثنیه، ۱۱: ۳۱؛ دوم تواریخ، ۵: ۲؛ دوم تواریخ، ۳۰: ۱؛ مراثی، ۱: ۴؛ حزقیال ۴۶: ۹؛ زکریا ۱۴: ۱۶-۱۹؛ یوحنا، ۵: ۱؛ یوحنا، ۷: ۱۴؛ مزامیر، ۱۲۲: ۱-۴؛ مزامیر، ۸۴: ۵؛ اشعیا، ۱: ۱۲؛ اشعیا، ۲: ۳؛ اشعیا، ۳۰: ۲۹؛ میکاه، ۴: ۲؛ اعمال، ۲: ۵-۱۱؛ اول پادشاهان، ۱۲: ۲۷؛ اول سموئیل، ۱: ۳؛ اول پادشاهان، ۳: ۴؛ اول پادشاهان، ۱۲: ۲۶-۳۰؛ پیدایش، ۴۷: ۹؛ عبرانیان، ۱۱: ۱۳-۱۶. ۲. در تورات نیز، آیات: خروج، باب ۳۴؛ آیات ۲۳-۲۴؛ خروج، ۲۳: ۱۴؛ تثنیه، ۱۶: ۱۶؛ ۳۱: ۱۱؛ مزامیر، ۱۲۲: ۱-۴؛ ۸۴: ۵؛ میکاه، ۴: ۲؛ اول پادشاهان، ۳: ۴؛ ۱۲: ۲۶-۳۰؛ عبرانیان، ۱۱: ۱۳-۱۶؛ پیدایش، ۹: ۴۷؛ اول سموئیل، ۱: ۳؛ اشعیا، ۱: ۱۲؛ ۳۰: ۲۹؛ حزقیال ۴۶: ۹؛ زکریا، ۱۴: ۱۶-۱۹.

۳. یونج حبشی (Ethiopian Eunuch) که خزانه‌دار مملکت حبشه بود.

۴. البته در اینکه این نوع سفرها را لزوماً بتوان سفر زیارتی نامید و مسافرش را زائر، همچنان بین مورخان و اندیشمندان مسیحی بحث است. اما بر این موضوع اتفاق نظر هست که حتی اگر هم سفر محض بوده باشد و نه زیارت، به یقین زمینه‌ساز زیارت در سنت کنونی مسیحیت بوده است.

۵. مقصود از اصطلاح «لقاح معصوم» اعتقاد به این مطلب است که بارداری مریم به اراده خدا بوده، او باکره است و از هر خطایی مبرا است.

6. Bethany (Aramaic: *בית ענאי*, *Beth anya* Greek: *Βηθανία*) (Arabic: *العیزریه*)

۷. این هر سه خواهر و برادر بوده‌اند.

۸. این ماجرا در انجیل مرقس ۵: ۱-۲۰ ذکر شده است: مدتی از خدمت خداوندگار ما مسیح گذشته بود. او روزی همراه با شاگردانش، با قایق، به سمت دیگر دریاچه جلیل رفت که در آنجا غیریهودیان زندگی می‌کردند. به مجرد اینکه از قایق پیاده شدند، مردی که گرفتار روح پلید بود، از قبرستانی که در آن نزدیکی بود، خارج شد و نزد عیسی رفت. وضع این مرد بسیار وخیم بود. او در گورها زندگی می‌کرد. هیچ کس نتوانسته بود او را حتی با زنجیرها ببندد و کنترلش کند. بارها او را با زنجیر و پابند آهنی بسته بودند، ولی او همه را شکسته بود و مطلقاً رام نمی‌شد. شب و روز هم در بین گورها و روی تپه‌ها فریاد می‌زد و خود را با سنگ‌ها مجروح می‌کرد. این شخص چون عیسی را از دور دید، دوان‌دوان آمد و سجده کرد و با صدای بلند فریاد برآورد و گفت: «ای عیسی، پسر خدای متعال تو را با من چه کار است؟ تو را به خدا سوگند می‌دهم که عذابم ندهی!». عیسی از او پرسید که نامش چیست. روح خبیث گفت: «نامم لژیون است، زیرا بسیاریم». در آن حوالی، گله بزرگی از خوک‌ها در حال چرا

بودند، ارواح خبیث از عیسی خواهش کردند که آنها را به داخل خوک‌ها بفرستد. عیسی نیز اجازه داد. پس ارواح از آن مرد بیرون آمدند و داخل خوک‌ها شدند. آن گله که شامل حدود دو هزار خوک بود، از سراسیمگی تپه به داخل دریاچه هجوم برد و در آب غرق شد. خوکبان‌ها که این ماجرا را دیدند، وحشت‌زده به شهر و روستایشان رفتند و واقعه را برای همه تعریف کردند. مردم نیز به محل این رویداد آمدند و به چشم خود دیدند که آن مردی که تا آن زمان کسی نتوانسته بود رامش کند، حالا عاقل شده، لباس پوشیده و کنار پای عیسی نشسته و به سخنان او گوش می‌دهد. مردم که هراسان شده بودند از عیسی خواهش کردند که از منطقه‌شان خارج شود. مردی که قبلاً دیوزده بود، از عیسی خواهش کرد که جزء همراهانش شود. اما عیسی به او فرمود که نزد خانواده و خویشانش برود و به همه بگوید که خدا برایش چه کاری کرده و چگونه بر او رحم کرده است.

۹. زائر بردو از قدیمی‌ترین سفرنامه‌های مسیحی است که زائری ناشناس، اهل شهر بردوی فرانسه نگاشته است؛ وی به سال ۳۳۳ از سرزمین مقدس و اورشلیم دیدار کرد. بر اساس دانش‌نامه کاتولیک، این سفرنامه چیزی بیش از نوعی سیاه‌نویسی صرف از شهرهایی است که وی از آنها گذر کرده، یا اسب خود را عوض کرده یا توفقی کوتاه در آنها داشته است. او درباره سرزمین مقدس نکاتی را ذکر کرده که با دیگر مکان‌ها مرتبط است؛ همین امر نیز موجب اشتباهاتی شده، از جمله محل تغییر هیئت عیسی به چهره‌ای آسمانی (Transfiguration) (متی، ۱۷: ۱-۸) را به کوه اَلیوت (زیتون) نسبت می‌دهد. چنین اشتباهاتی هرچند مرسوم است، اما در کل، این سفرنامه حاوی اطلاعات ارزشمندی از مکان‌نگاری شهر است.

منابع

- Aston, Margaret (1964). *Lollardy And The Reformation: Survival Or Revival?*, Wiley, Vol. 49, No. 166, pp. 149-170.
- Athanasius, H. Ellershaw (2013). *The Life of Antony*, Kindle Edition.
- Belhassen, Y.; Caton, K.; Stewart, W. P. (2008). "The Search for Authenticity in the Pilgrim ex-perience", *Annals of Tourism Research* 35 (3): 668-689.
- Bradly, Ian (2010). *Pilgrimage: A Spiritual and Cultural Journey*, Lion Books, First Edition Edition.
- Coleman, Simon; Elsner, John (1995). *Pilgrimage: Past and Present in the World Religions*, Harvard University Press.
- Dyas, Dee (1998). 'Pilgrims Were They All? Aspects of Pilgrimage and their Influence on Old a Middle English Literature', Thesis submitted to the University of Nottingham for the degree of Doctor Philosophy.

- Dyas, Dee (2001). *Pilgrimage in Medieval English Literature, 700-1500*, Cambridge: D. S. Brewer.
- Craveri, Marcello (1967). *The Life of Jesus*, Grove Press.
- Edwards, Phillippe (2005). *Pilgrimage and Literary Tradition*, Cambridge: Cambridge University Press.
- George, T. (2016). *The Discipline of Christian Pilgrimage*, Institute for Faith and Learning at Baylor University.
- Eller, Jack David (2014). *Introducing Anthropology of Religion: Culture to the Ultimate*, Routledge.
- Elsner, Jas; Rutherford, Ian (2006). *Pilgrimage in Graeco-Roman and Early Christian Antiquity: Seeing the Gods*, Oxford University Press, 1st edition.
- Flaherty, von Regis (2015). *Faith Basics: Sacramentals and Signs. Objects, Actions, and Words as Avenues of Grace*, Emmaus Road Publishing.
- Green, Stephen David (2018). *Christians and Jerusalem in the Fourth Century CE: a Study of Eusebius of Caesarea, Cyril of Jerusalem, and the Bordeaux Pilgrim*, Portland State University.
- <https://b2n.ir/w60893>
- Pazos, Antón M. (2014). *Redefining Pilgrimage: New Perspectives on Historical a Contemporary Pilgrimages*, Ashgate Publishing.
- Winzeler, Robert L. (2007). *Anthropology and Religion: What We Know, Think, and Question*, Rowman Altamira.
- www.newadvent.org/fathers/3001108.htm
- www.biblegateway.com/resources/encyclopedia-of-the-bible/Lazarus-Bethany
- www.vatican.va/content/john-paul-ii/en/letters/1999/documents/hf_jp-ii_let_30061999_pilgrimage.html
- www.york.ac.uk/projects/pilgrimage/content/tradition_ad
- www.sacred-destinations.com/turkey/antioch-cave-church-of-peter
- www.thecatholictravelguide.com/destinations/germany/walldurn-germany-home-eucharistic-miracle-walldurn